

باسمه تعالی

نفت و معمای توسعه در ایران معاصر: نقشه راه برای اصلاحات بخش نفت، گاز و انرژی ایران

محمد نعمتی^۱

28 مرداد 1403

یک مدل مفهومی: اقتصاد سیاسی تولیدی در برابر اقتصاد سیاسی رانتی

یک نگاه تاریخی: اقتصاد سیاسی بین الملل و نظریه مرکز پیرامون

یک نگاه سیستمی: حکمرانی نفت موجد نظام های ماکتی

یک نگاه به وضعیت امروز صنعت نفت و گاز در دنیا

یک نگاه به وضعیت و سیاست های امروز صنعت نفت و گاز در ایران

یک نگاهت نهادی- متولیان و بازیگران در کشورهای غربی / شرقی

یک نگاهت نهادی- متولیان و بازیگران در ایران

یک نگاهت نهادی- درهم تنیدگی حکمرانی نفت با شکل نظام پولی و مساله زمین در اقتصاد ایران

یک نگاه به امایش صنعت نفت و گاز در ایران

یک نگاه اماری

یک نگاه به آینده

مسیر ما- نگاه به نفت و گاز به عنوان یک صنعت

¹ عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه اول: اقتصاد سیاسی رانتی - غارتی ایران معاصر (خام فروشی قجری، خام اندیشی پهلوی و خام شدگی انقلابی)

برای این نظام ها از استعاره نظام های ماکتی استفاده می کنیم.



مجموعه ای از نظام های ناکارآمد، رانتی، غیرشفاف، غیر پاسخگو و مولد شکاف طبقاتی فاحش

مقدمه دوم: الزامات اقتصاد سیاسی تولید با مشارکت مردم



تغییر حکمرانی و بهره‌مندی اقتصاد ملی از نفت و گاز نقطه آغاز برای هر برنامه توسعه در ایران:

اول: ساختن بازاری برای نفت و گاز توسط دولت (بازاری برای خرید خدمات اکتشاف و توسعه میدین و مخازن و بازاری برای فروش و عرضه نفت و گاز به صنایع).

- واردات منابع طبیعی از خارج کاملاً آزاد است. صادرات محصولات با تعرفه تنظیم می‌شود.
- ساختن بازار ریالی توسط دولت به معنای تنظیم ورودی صنعت و به معنای امکان برنامه ریزی و قابل پیش بینی بودن فعالیت صنایع توسط بخش خصوصی هست.
- بخش خصوصی کنار دولت و کنار بخش نظامی - امنیتی نمی‌تواند بازی کند.
- بخش دولتی (متولی اداره ثروت‌های عمومی) نباید یک بازیکن در صنعت باشد.
- دولت سیاستگذاری، هدایت و نظارت برای تکمیل زنجیره ارزش و جلوگیری از خام‌فروشی و خام‌سوزی را پیگیری می‌کند. راهبری استراتژی صنعت کشور در سطح تاسیسی (نه در سطح عملیاتی)

سوال: آیا می‌شود بدون تغییر مکانیزم بهره‌مندی اقتصاد ملی از منابع حاصل از فروش م. ط. نقش دولت در اقتصاد ایران (بازیگر یکه تاز، ناکارآمد، انحصارگر، غیر پاسخگو و غیر شفاف) را عوض کرد؟

پاسخ من خیر است. منابع حاصل از فروش م. ط. یا همان رانت م. ط. باید همان طور که ریالی به صنعتگران فروخته شده عیناً علی السویه به همه مردم داده شود. این پرداخت انتقالی به مردم بخشی از درآمد پایه همگانی ایرانیان را تشکیل می‌دهد.

- مالیات منبع مصارف حکومت است (شفاف‌سازی مصارف و پاسخ‌گویی حکومت به مردم).
- واگذاری عواید حاصل از منابع طبیعی در کشور درآمد پایه همگانی ایجاد می‌کند.
- حذف تمامی نهادهای حمایتی، ستادها، بنیادها و ... (حذف دولت‌های موازی)
- درآمد ریالی حاصل از بهره‌برداری منابع طبیعی یکی از درآمدهای خانوارهای ایرانی هست. به تعبیر دیگر "بند ناف دولت از درآمدهای ریالی - دلاری منابع طبیعی باید قطع شود".